

فصل ۱

جمهوری سوم (۱۹۴۰-۱۸۷۰)

خلاصه فصل:

جمهوری سوم با ۷۰ سال عمر، طولانی‌ترین رژیم فرانسه پس از انقلاب بود. این جمهوری که از شکست نظامی زاده شد و در شکست نظامی مُرد، دستاوردهای ماندگاری بر جای گذاشت: تثبیت نهایی جمهوری، جدایی کلیسا و دولت، آموزش عمومی، و پیروزی در جنگ جهانی اول.

دوره‌بندی:

- تأسیس دشوار (۱۸۷۹-۱۸۷۰): کمون، سلطنت طلبان، جمهوری محافظه‌کار
- جمهوری فرصت‌طلب (۱۸۹۹-۱۸۷۹): گامبنا، فری، بحران‌ها
- جمهوری رادیکال (۱۹۱۴-۱۸۹۹): ماجرا دریفوس، لائیسیته
- جنگ بزرگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸): اتحاد ملی، پیروزی پرهزینه
- بین دو جنگ (۱۹۴۰-۱۹۱۸): بی‌ثباتی، بحران، سقوط

مفاهیم کلیدی: لائیسیته، رادیکالیسم، ناسیونالیسم، ضدکلریکالیسم، روانشیسم، اتحاد مقدس، جبهه مردمی.

۱.۱ زایش در آتش: ۱۸۷۱-۱۸۷۰

۱.۱.۱ اعلام جمهوری

در ۴ سپتامبر ۱۸۷۰، با رسیدن خبر اسارت ناپلئون سوم در سدان، جمهوری سوم در پاریس اعلام شد. اما این جمهوری در شرایطی متولد می‌شد که نیمی از کشور در اشغال دشمن بود.

۱۸۷۱ فوریه - ۱۸۷۰ (سپتامبر ملی دفاع دولت)



۲.۱.۱ محاصره پاریس

از ۱۹ سپتامبر ۱۸۷۰، پاریس در محاصره ارتش پروس قرار گرفت. محاصره‌ای که ۱۳۲ روز طول کشید:

محاصره پاریس (۱۹ سپتامبر ۱۸۷۰ - ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱)

- جمعیت محاصره شده: ۲ میلیون نفر
- گارد ملی: ۳۵۰,۰۰۰ نفر مسلح (شهر وندان)
- قحطی: مصرف سگ، گربه، موس، حیوانات باغ و حش
- قیمت‌ها: گوشت اسب ۵ برابر، موس ۲ فرانک
- بمباران: از ۵ ژانویه ۱۸۷۱، ۱۲,۰۰۰ گلوله توپ
- تلفات غیرنظمی: حدود ۴۷,۰۰۰ نفر (سرما، گرسنگی، بیماری)
- فرار گامبta: با بالون از پاریس خارج شد تا مقاومت را از شهرستان‌ها سازمان دهد

«پاریس گرسنگی می‌کشد اما تسلیم نمی‌شود. پاریس بمباران می‌شود اما پاریس مقاومت می‌کند.»
— ویکتور هوگو، ژانویه ۱۸۷۱

۳.۱.۱ آتشبس و انتخابات

در ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱، دولت دفاع ملی آتشبس امضا کرد. بیسمارک خواستار انتخابات برای تشکیل دولتی بود که بتواند صلح امضا کند. انتخابات ۸ فوریه ۱۸۷۱ نتایج شگفت‌انگیزی داشت:

جدول ۱.۱: نتایج انتخابات ۸ فوریه ۱۸۷۱

گرایش	کرسی	موقعیت درباره جنگ
سلطنت طلبان (اولئانیست و لژیتیمیست)	۴۰۰	صلح
جمهوری خواهان میانه رو	۱۵۰	صلح
جمهوری خواهان رادیکال	۸۰	ادامه جنگ
بنای پاریس	۲۰	-

چرا سلطنت طلبان پیروز شدند؟

سلطنت طلبان نه به دلیل محبوبیت سلطنت، بلکه به دلیل خواست صلح پیروز شدند. مردم روستاهای که از جنگ خسته بودند، به نامزدهای طرفدار صلح رأی دادند که اتفاقاً اکثراً سلطنت طلب بودند. جمهوری خواهان که خواهان ادامه جنگ بودند، در شهرها پیروز شدند اما در روستاهای شکست خورده بودند.

۴.۱.۱ آدولف تییر و معاهده فرانکفورت

مجلس ملی در بوردو تشکیل شد و آدولف تییر را به عنوان «رئیس قوه مجریه جمهوری فرانسه» برگزید. تییر، سیاستمدار کهنه‌کار اولئانیست، مأموریت دردنگی داشت: مذاکره صلح.

جدول ۲.۱: معاهده فرانکفورت (۱۰ مه ۱۸۷۱)

بند	محظوظ
از دست دادن خاک	آلزاس (به جز بلفور) و بخشی از لورن به آلمان
غرامت	۵ میلیارد فرانک طلا
اشغال	نیروهای آلمانی تا پرداخت کامل غرامت می‌مانند
رژه پیروزی	ارتض آلمان از شانزه‌لیزه رژه می‌رود
جمعیت از دست رفته	۶.۱ میلیون نفر

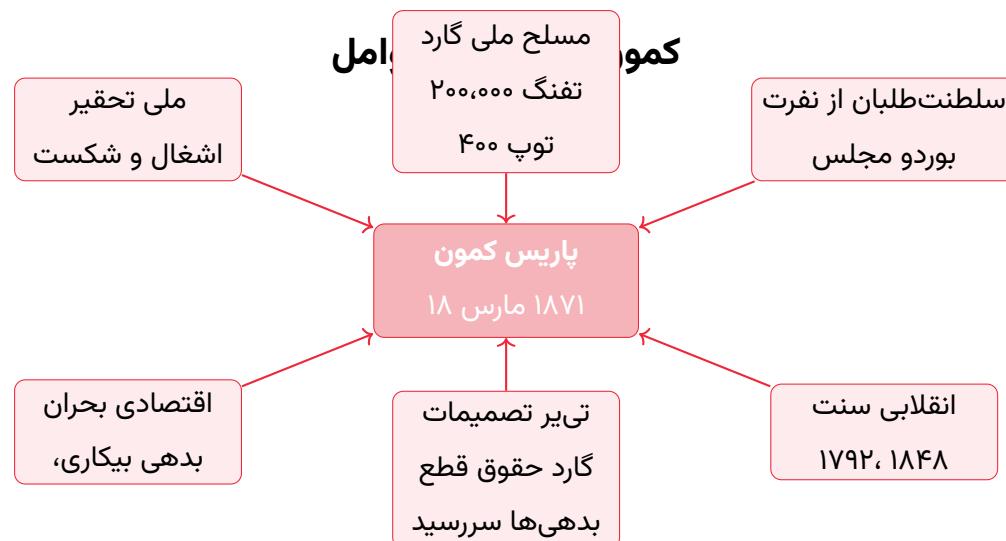
«همیشه به آن فکر کنید، هرگز از آن سخن نگویید.»

— گامبنا، درباره آلزاس-لورن

۲.۱ کمون پاریس (مارس-مه ۱۸۷۱)

۱.۲.۱ ریشه‌های شورش

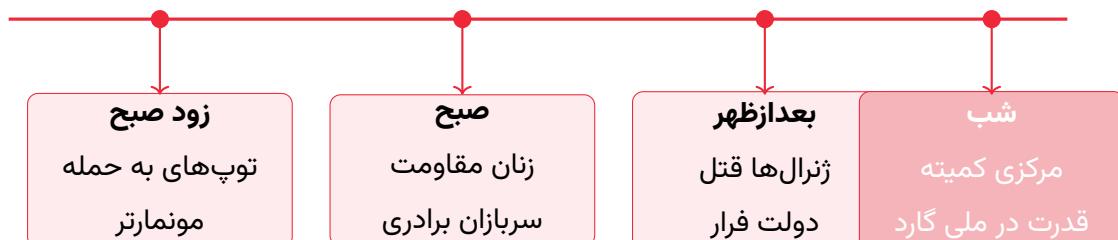
پاریس که ۱۳۲ روز در محاصره مقاومت کرده بود، تسلیم ناگهانی و صلح تحریرآمیز را نپذیرفت. چندین عامل زمینه‌ساز شورش بود:



۲.۲.۱ ۱۸ مارس: آغاز شورش

در ۱۸ مارس ۱۸۷۱، تییر دستور داد توبهای گارد ملی در مونمارتر ضبط شوند. سربازان فرستاده شده با مردم برادری کردند و دو ژنرال (لکومت و توما) به دست جمعیت خشمگین کشته شدند. تییر و دولت به ورسای گریختند.

۱۸ مارس ۱۸۷۱ وقایع



۳.۲.۱ ساختار و اقدامات کمون

در ۲۶ مارس انتخابات برگزار شد و شورای کمون با ۹۰ عضو تشکیل شد. کمون ترکیبی بود از گرایش‌های مختلف چپ:

اقدامات کمون پاریس (۷۲ روز)

اقدامات اجتماعی:

- تعلیق پرداخت اجاره‌ها (موراتوریوم)
- بازگرداندن اشیای گروگذاشته شده در رهنی‌ها (تا ۲۰ فرانک)

جدول ۳.۱: ترکیب سیاسی کمون پاریس

گرایش	تعداد تقریبی ویژگی	موقت
ژاکوبن‌ها/بلانکیست‌ها	۳۵	انقلاب متمرکز، دیکتاتوری
پرودونیست‌ها	۲۵	فدرالیسم، تعاوونی، ضد دولت
انترناسیونالیست‌ها	۱۵	سوسیالیسم، طبقه کارگر
جمهوری خواهان رادیکال	۱۵	جمهوری دموکراتیک و اجتماعی

- لغو کار شبانه نانوایان

- ممنوعیت جریمه کارفرمایان بر کارگران

- واگذاری کارگاه‌های رهاشده به تعاوونی‌های کارگری

اقدامات سیاسی:

- جدایی کلیسا و دولت

- انتخابی شدن قضات

- حداکثر حقوق کارمندان: ۶۰۰ فرانک (برابر کارگر ماهر)

- حق عزل نمایندگان توسط رأی دهنندگان

اقدامات نمادین:

- تخرب ستون واندوم (نماد ناپلئونی)

- پرچم سرخ به جای سه‌رنگ

- تقویم انقلابی

۴.۲.۱ هفته خونین

ارتش ورسای به فرماندهی مارشال مک‌ماهون، پس از بازسازی، در ۲۱ مه ۱۸۷۱ وارد پاریس شد. یک هفته جنگ خیابانی—«هفته خونین» (Semaine sanglante)—در تاریخ فرانسه بی‌سابقه بود.

هفته خونین (۱۸۷۱ مه ۲۱-۲۸)

- کشته‌های کموناردها: ۲۰،۰۰۰ تا ۳۰،۰۰۰ نفر

- اعدام‌های صحرایی: هزاران نفر بدون محاکمه

- دیوار فدره‌ها: ۱۴۷ نفر در قبرستان پرلاشز اعدام شدند

- بازداشت‌ها: ۵۰۰،۴۳ نفر

- محاکمات: ۱۰،۰۰۰ محکومیت

- تبغید: ۵۰۰،۴ نفر به کالدونی جدید

- آتش‌سوزی‌ها: تولیری، شهرداری، دادگستری (توسط کموناردها یا توپ‌باران)
- مقایسه: کشتار هفته خونین از تمام اعدام‌های دوره ترور (۱۷۹۴-۱۷۹۳) بیشتر بود.

«چه قتل عام! چه خون‌ریزی! چه قساوتی! و اینها کسانی هستند که خود را متمدن می‌نامند!»
— لوئیز میشل، «کمونارد سرخ»

۵.۲.۱ میراث کمون

پاریس کمون دوگانه میراث

چپ: برای

کارگری حکومت اولین
انقلاب نماد

الهام‌بخش

مائو لنین، مارکس،

فردنهای دیوار

چپ زیارتگاه

راست: برای

آتش‌سوزی هرج و مردج،
سرخ «خطر

سرکوب توجیه

آزادی بر نظم

ساکره‌کور

پاریس گناهان کفاره

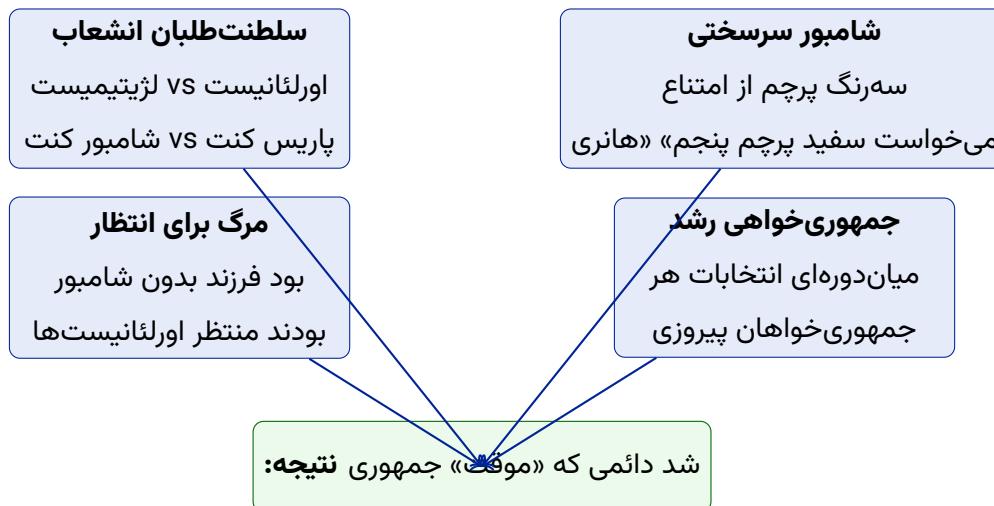
«کمون شکلی بود که سرانجام یافته شد و تحت آن رهایی اقتصادی کار می‌توانست به انجام رسد.
— کارل مارکس، «جنگ داخلی در فرانسه»

۳.۱ تأسیس دشوار جمهوری (۱۸۷۹-۱۸۷۱)

۱.۳.۱ جمهوری بدون جمهوری خواهان

پارادوکس بزرگ: جمهوری سوم توسط مجلسی تأسیس شد که اکثریت آن سلطنت‌طلب بود. چرا سلطنت احیا نشد؟

نشد؟ احیا سلطنت چرا



۲.۳.۱ دولت تییر (۱۸۷۳-۱۸۷۱)

تییر با کارایی غرامات جنگی را پرداخت و آخرين سرباز آلماني در سپتامبر ۱۸۷۳ خاک فرانسه را ترک کرد—دو سال زودتر از موعد. اما وقتی تییر آشکارا از جمهوری حمایت کرد، اکثریت سلطنت طلب مجلس او را برکنار کرد (۲۴ مه ۱۸۷۳).

۳.۳.۱ جمهوری اخلاقی مکماهون (۱۸۷۳-۱۸۷۹)

مارشال مکماهون، سلطنت طلب کاتولیک، به ریاست جمهوری رسید با این امید که سلطنت را آماده کند. قانون «سپتنا» (۱۸۷۳) دوره ریاست جمهوری را ۷ سال تعیین کرد—به امید اینکه شامبور در این مدت بمیرد.

«نظم اخلاقی»:

مکماهون و دولتهای محافظه‌کارش سیاست «نظم اخلاقی» را پیش گرفتند: حمایت از کلیسا، محدودیت مطبوعات، تصفیه جمهوری خواهان از ادارات. ساخت کلیسای ساکره‌کور در مونمارتر (شروع ۱۸۷۵) نماد این دوره بود—کفاره برای «گناهان» کمون و شکست فرانسه.

۴.۳.۱ قوانین اساسی ۱۸۷۵

در ژانویه-ژوئیه ۱۸۷۵، مجلس سه قانون تصویب کرد که مجموعاً قانون اساسی جمهوری سوم را تشکیل دادند:

جدول ۴.۱: ساختار نهادی جمهوری سوم

نهاد	ویژگی‌ها
رئیس‌جمهور	انتخاب توسط دو مجلس، دوره ۷ ساله، قابل انتخاب مجدد، حق انحلال مجلس (با موافقت سنا)
مجلس نمایندگان	انتخاب مستقیم با رأی همگانی مردان، دوره ۴ ساله
سنا	۳۰۰ عضو: ۲۲۵ انتخابی توسط هیئت‌های انتخاباتی، ۷۵ مادام‌العمر
دولت	مسئول در برابر هر دو مجلس
کلمه «جمهوری»	با اصلاحیه والون (۳۰ ژانویه ۱۸۷۵) با یک رأی اکثریت ۳۵۲ به ۳۵۳ وارد متن شد

۵.۳.۱ بحران ۱۶ مه ۱۸۷۷

در ۱۶ مه ۱۸۷۷، مکماهون نخست‌وزیر جمهوری خواه (ژول سیمون) را برکنار کرد و با موافقت سنا، مجلس را منحل ساخت. این «کودتای قانونی» بحرانی اساسی آفرید.

بحران ۱۶ مه ۱۸۷۷

- اقدام مکماهون: برکناری سیمون، انتصاب دوک دو برولی، انحلال مجلس
 - واکنش جمهوری خواهان: بیانیه ۳۶۳ نماینده (مانیفست)
 - سخن گامبیتا: «وقتی فرانسه سخن گفت، یا باید تسليم شد یا استعفا داد»
 - انتخابات اکتبر ۱۸۷۷: علی‌رغم فشار دولت، جمهوری خواهان پیروز شدند (۳۲۰ کرسی)
 - نتیجه: مکماهون تسليم شد، سپس در ۱۸۷۹ استعفا داد
- پیامد ماندگار: هیچ رئیس‌جمهوری دیگری جرئت انحلال مجلس را نداشت. قدرت رئیس‌جمهور عملأً تشریفاتی شد.

۶.۳.۱ پیروزی نهایی (۱۸۷۹)

در ژانویه ۱۸۷۹، جمهوری خواهان اکثریت سنا را نیز به دست آوردند. مکماهون استعفا داد و ژول گروی، رئیس‌جمهور شد. مجلس از ورسای به پاریس بازگشت. ۱۴ ژوئیه روز ملی شد. «مارسی‌بیز» سروд ملی شد. جمهوری سرانجام تثبیت شده بود.

۴.۱ جمهوری فرصت طلب (۱۸۷۹-۱۸۹۹)

۱.۴.۱ جمهوری خواهان در قدرت

«فرصت طلبان» (Opportunistes) نامی بود که رادیکال‌ها به جمهوری خواهان میانه‌رو دادند – کسانی که معتقد بودند اصلاحات باید تدریجی و در «فرصت» مناسب باشد، نه همه با هم.

جدول ۵.۱: رهبران جمهوری فرصت‌طلب

نام	سال‌ها	نقش و ویژگی
لئون گامبتا	۱۸۸۲-۱۸۳۸	رهبر کاریزماتیک، نماد مقاومت ۱۸۷۰
ژول فری	۱۸۹۳-۱۸۳۲	آموزش لائیک، امپراتوری استعماری
ژول گروی	۱۸۹۱-۱۸۰۷	رئیس جمهور ۱۸۸۷-۱۸۷۹، نماد ثبات
شارل دو فریسینه	۱۹۲۳-۱۸۲۸	چهار بار نخست وزیر، توسعه راه آهن

۲.۴.۱ اصلاحات بنیادین

قوانين آزادی‌ها

۱۸۸۱: آزادی مطبوعات (لغو مجوز قبلی و تمبر)

۱۸۸۱: آزادی تجمعات عمومی

۱۸۸۴: آزادی اتحادیه‌های صنفی (سنديکاهها)

۱۸۸۴: قانون شهرداری‌ها (انتخاب شهردار توسط شورا)

۱۸۸۴: اصلاح سن (حذف سناتورهای مادام‌العمر)

قوانين ژول فری: مدرسه لائیک

مهمترین میراث جمهوری فرصت‌طلب، انقلاب آموزشی ژول فری بود:

قوانين مدرسه ژول فری (۱۸۸۲-۱۸۸۱)

- رایگان (۱۶ زوئن ۱۸۸۱): آموزش ابتدایی کامل‌را یگان
- اجباری (۲۸ مارس ۱۸۸۲): آموزش از ۶ تا ۱۳ سالگی اجباری
- لائیک (۲۸ مارس ۱۸۸۲): آموزش مذهبی از مدارس دولتی حذف شد آموزش اخلاق مدنی جایگزین آموزش دینی شد.

اهداف:

۱. تربیت شهروندان جمهوری خواه

۲. کاهش نفوذ کلیسا

۳. ایجاد هویت ملی مشترک

۴. مدرنیزاسیون جامعه

نتایج: نرخ باسوسادی از ۶۰٪ (۱۸۷۰) به ۹۵٪ (۱۹۱۰)

«معلمان، شما مأموریت بزرگی دارید: از کودکان فرانسوی، شهروندان بسازید.»

– ژول فری

امپراتوری استعماری

ژول فری همچنین معمار امپراتوری دوم استعماری فرانسه بود:

جدول ۶.۱: توسعه استعماری دوره جمهوری سوم

سال	منطقه	نوع
۱۸۸۱	تونس	تحت‌الحمایه
۱۸۸۳-۱۸۸۵	ویتنام، لائوس، کامبوج	مستعمره (هندوچین)
۱۸۸۵	کنگو	مستعمره
۱۸۸۵	ماداگاسکار	تحت‌الحمایه (مستعمره ۱۸۹۶)
۱۸۸۱-۱۸۹۸	آفریقای غربی و مرکزی	گسترش تدریجی
۱۹۱۲	مراکش	تحت‌الحمایه

توجیهات استعمار:

ژول فری استعمار را با چند استدلال توجیه می‌کرد:

• اقتصادی: بازار برای صنایع فرانسه

• استراتژیک: رقابت با انگلستان و آلمان

• تمدنی: «نژادهای برتر وظیفه‌ای در قبال نژادهای پستتر دارند»

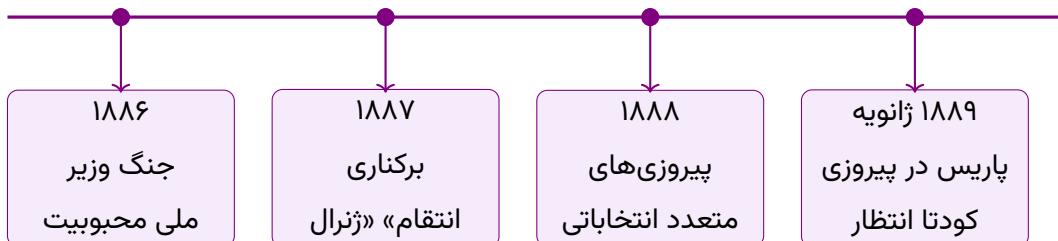
این دیدگاه، هرچند امروز نژادپرستانه ارزیابی می‌شود، در زمان خود حتی توسط بسیاری از چپ‌ها پذیرفته بود.

۳.۴.۱ بحران‌های دهه ۱۸۸۰

بحران بولانژه (۱۸۸۶-۱۸۸۹)

ژنرال ژرژ بولانژه، وزیر جنگ محبوب، تهدیدی جدی برای جمهوری شد:

(۱۸۸۶-۱۸۸۹) بولانژه بحران



کرد. خودکشی ۱۸۹۱ در و کرد، فرار نکرد، کودتا بولانژه نتیجه شد. آشکار ضعف‌هاییش اما یافت نجات جمهوری

بولانژیسم چه بود؟

ترکیبی از:

- ناسیونالیسم و روانشیسم (انتقام از آلمان)
- عوامگرایی ضد پارلمانی
- حمایت از طیف‌های متصاد: سلطنت‌طلبان، رادیکال‌ها، سوسیالیست‌ها
- «رأی‌دادن به بولانژه» نماد اعتراض به نظام شد

رسوایی پاناما (۱۸۹۲)

ورشکستگی شرکت کاتال پاناما و افسای رشوه‌خواری نمایندگان مجلس، اعتماد به جمهوری را تضعیف کرد. حدود ۱۵۰ نماینده متهم شدند، هرچند فقط تعداد کمی محکوم شدند.

تروریسم آنارشیست (۱۸۹۴-۱۸۹۲)

موجی از بمبگذاری آنارشیست‌ها فرانسه را تکان داد:

- ۱۸۹۲: بمب راووشول در خانه قاضی
- ۱۸۹۳: بمب وايان در مجلس
- ۱۸۹۴: ترور رئیس‌جمهور سادی کارنو توسط کازریو

۵.۱ ماجراهای دریفوس (۱۸۹۴-۱۹۰۶)

۱.۵.۱ آغاز ماجرا

در اکتبر ۱۸۹۴، کاپیتان آلفرد دریفوس، افسر یهودی ستاد ارتش، به اتهام جاسوسی برای آلمان بازداشت شد. محاکمه‌ای سری و با مدارک جعلی به محکومیت او انجامید.

جدول ۷.۱: مراحل ماجراهای دریفوس

تاریخ	رویداد
۱۸۹۴	بازداشت دریفوس
دسامبر ۱۸۹۴	محکومیت به حبس ابد در جزیره شیطان
۱۸۹۵	مراسم تحقیرآمیز خلع درجه ژانویه
۱۸۹۶	سرهنگ پیکار مدرک علیه استرهازی را کشف می‌کند
نومبر ۱۸۹۷	ماتیو دریفوس (برادر) استرهازی را متهم می‌کند
۱۸۹۸	تریئه استرهازی / «من متهم می‌کنم!» زولا
اوت ۱۸۹۸	اعتراف به جعل سند، خودکشی سرهنگ هانری
ژوئن ۱۸۹۹	بازگشت دریفوس، محاکمه جدید در رن
سپتامبر ۱۸۹۹	محکومیت مجدد (!)، عفو رئیس جمهوری
ژوئیه ۱۹۰۶	تریئه کامل، بازگشت به ارتش

۲.۵.۱ «من متهم می‌کنم!»

در ۱۳ ژانویه ۱۸۹۸، امیل زولا نامه سرگشاده‌اش را در روزنامه «اورور» منتشر کرد:

«من متهم می‌کنم...!»

«من سرهنگ دوپاتی دو کلام را متهم می‌کنم که مهندس اصلی این خطای قضایی بوده است... من ستاد کل را متهم می‌کنم که در مطبوعات... کارزار شنیع فریب افکار عمومی را رهبری کرده است...»

من نخستین دادگاه نظامی را متهم می‌کنم که حقوق را نقض کرده و متهمی را بر اساس مدرکی محکوم کرده که مخفی نگه داشته شد...»

من دومین دادگاه نظامی را متهم می‌کنم که این بی‌قانونی را با حکمی آگاهانه پنهان کرده است...»
امیل زولا، ۱۳ ژانویه ۱۸۹۸

۳.۵.۱ فرانسه دوپاره

ماجرای دریفوس فرانسه را به دو اردوگاه متخاصم تقسیم کرد:

شده دوپاره فرانسه

دريفوسارها

جمهوری خواهان

(بخشی) سوسیالیست‌ها

روشنفکران

پروتستان‌ها

يهودیان

عدالت» و «حقیقت:
کلمانسو، زولا، چهره‌ها:

پروست پگی، ژورس،

دريفوسارها ضد

ناسیونالیست‌ها

ارتشر

کاتولیک کلیسا

سلطنت طلبان

يهودستیزان

ارتشر» «شرف
بارس، درولد، چهره‌ها:

دروم موراس،

واژه «روشنفکر»:

واژه «روشنفکر» (intellectuel) به معنای امروزی، در جریان ماجراهای دريفوس متولد شد. موریس بارس، ضد دريفوسار، این واژه را به طعنه برای توصیف امضاكنندگان بیانیه حمایت از دريفوس به کار برد. اما طرفداران دريفوس آن را با افتخار پذیرفتند.

۴.۵.۱ پیامدهای ماجراهای دريفوس

پیامدهای ماندگار

۱. پیروزی جمهوری: ماجرا نشان داد که جمهوری از ارتشر و کلیسا قوی‌تر است

۲. ضربه به ارتشر: اعتبار ستاد کل خدشه‌دار شد

۳. ضربه به کلیسا: حمایت کلیسا از ضد دريفوسارها، جدایی کلیسا و دولت را تسريع کرد

۴. تولد راست افراطی مدرن: «اکسیون فرانس» (۱۸۹۹) از دل این ماجرا زاده شد

۵. تقویت چپ: ائتلاف «دفاع از جمهوری» شکل گرفت

۶. سازمان‌یابی يهودستیزی: يهودستیزی از تعصب مذهبی به ایدئولوژی سیاسی تبدیل شد

۶.۱ جمهوری رادیکال (۱۹۱۴-۱۸۹۹)

۱.۶.۱ دولت والدک-روسو و «دفاع از جمهوری»

در ژوئن ۱۸۹۹، پیر والدک-روسو دولتی ائتلافی از جمهوری خواهان میانه رو تا سوسیالیست‌ها تشکیل داد- نخستین بار یک سوسیالیست (میلران) وارد دولت می‌شد. هدف: دفاع از جمهوری در برابر تهدید ناسیونالیست‌ها.

• قانون انجمن‌ها (۱۹۰۱): کنترل شدید بر فرقه‌های مذهبی (کنگره‌گاسیون‌ها)

• بستن مدارس فرقه‌ای: هزاران مدرسه بسته شد

• اخراج فرقه‌ها: بسیاری از راهبان و راهبه‌ها فرانسه را ترک کردند

۲.۶.۱ دولت کومب (۱۹۰۵-۱۹۰۲)

امیل کومب، رادیکال ضدکلریکال، سیاست سخت‌تری پیش گرفت:

سیاست‌های ضدکلریکال کومب (۱۹۰۵-۱۹۰۲)

• بستن ۵۰۰،۲ مدرسه فرقه‌ای غیرمجاز

• ممنوعیت تدریس برای تمام اعضای فرقه‌های مذهبی

• قطع روابط دیپلماتیک با واتیکان (۱۹۰۴)

• «رسایی کارت‌ها»: جاسوسی از افسران کاتولیک

نتیجه: ۳۰،۰۰۰ راهب و راهبه فرانسه را ترک کردند.

۳.۶.۱ جدایی کلیسا و دولت (۱۹۰۵)

قانون ۹ دسامبر ۱۹۰۵، یکی از مهم‌ترین قوانین تاریخ فرانسه، جدایی کامل کلیسا و دولت را اعلام کرد:

قانون جدایی کلیسا و دولت (۹ دسامبر ۱۹۰۵)

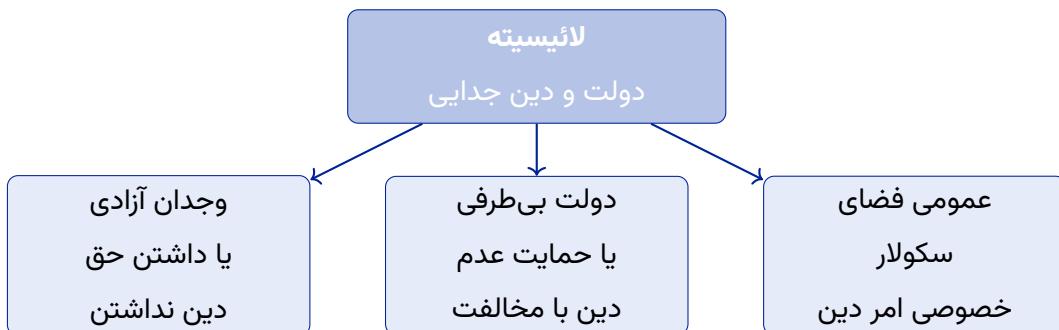
ماده ۱: «جمهوری آزادی وجود را تضمین می‌کند. جمهوری آزادی اجرای آیین‌های مذهبی را تضمین می‌کند...»

ماده ۲: «جمهوری هیچ مذهبی را به رسمیت نمی‌شناسد، حقوقی نمی‌پردازد، و یارانه‌ای نمی‌دهد.»

مفاد کلیدی:

- پایان کنکوردای ۱۸۰۱ (ناپلئون-پاپ)
 - پایان پرداخت حقوق روحانیون توسط دولت
 - اموال کلیسا به «انجمان‌های آبینی» واگذار شد
 - کلیساها مالکیت عمومی شدند اما برای عبادت در اختیار مؤمنان ماندند
 - دولت در امور داخلی کلیساها دخالت نمی‌کند
- جري قانون:** آریستید بربان (گزارشگر، بعداً ۱۱ بار نخست‌وزیر)

فرانسوی لائیسیته مفهوم



است: متفاوت انگلیسی یا آمریکایی «سکولاریسم» با فرانسوی لائیسیته عمومی فضای از دین حذف بلکه نهادی، جدایی فقط نه

«دولت نه کاتولیک است، نه پروتستان، نه یهودی. دولت لائیک است.»
— آریستید بربان، ۱۹۰۵

۴.۶.۱ اصلاحات اجتماعی

دوره رادیکال‌ها اصلاحات اجتماعی محدودی نیز داشت:

جدول ۸.۱: اصلاحات اجتماعی جمهوری رادیکال

سال	قانون
۱۸۹۸	قانون حوادث کار (مسئولیت کارفرما)
۱۹۰۰	محدودیت کار روزانه به ۱۰ ساعت (برای زنان و کودکان)
۱۹۰۶	استراحت هفتگی اجباری
۱۹۱۰	قانون بازنشستگی کارگران و دهقانان
۱۹۱۳	محدودیت کار روزانه به ۱۰ ساعت (برای همه)

۵.۶.۱ جنبش کارگری و CGT

در ۱۸۹۵ کنفرادسیون عمومی کار (CGT) تأسیس شد. این سازمان، برخلاف سندیکاهای آلمانی یا انگلیسی، گرایش آنارکو-سندیکالیستی داشت:

منشور آمین (۱۹۰۶)

CGT استقلال کامل از احزاب سیاسی (از جمله سوسیالیست‌ها) را اعلام کرد:

- اعتتصاب عمومی به عنوان ابزار انقلاب
- «عمل مستقیم» به جای فعالیت پارلمانی
- هدف: لغو نظام دستمزدی و مالکیت خصوصی

۶.۶.۱ بحران‌های بین‌المللی

جنگ از پیش بین‌المللی بحران‌های



(۱) انگلستان و روسیه با سه‌گانه اتحاد – (۲) انگلستان با کوردیال آنتانت اتحادها:

۷.۱ جنگ بزرگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸)

۱.۷.۱ ورود به جنگ

ترور آرشیدوک فرانتس فردیناند (۲۸ ژوئن ۱۹۱۴) زنجیره‌ای از رویدادها را آغاز کرد که به جنگ جهانی انجامید. آلمان در ۳ اوت ۱۹۱۴ به فرانسه اعلام جنگ کرد.

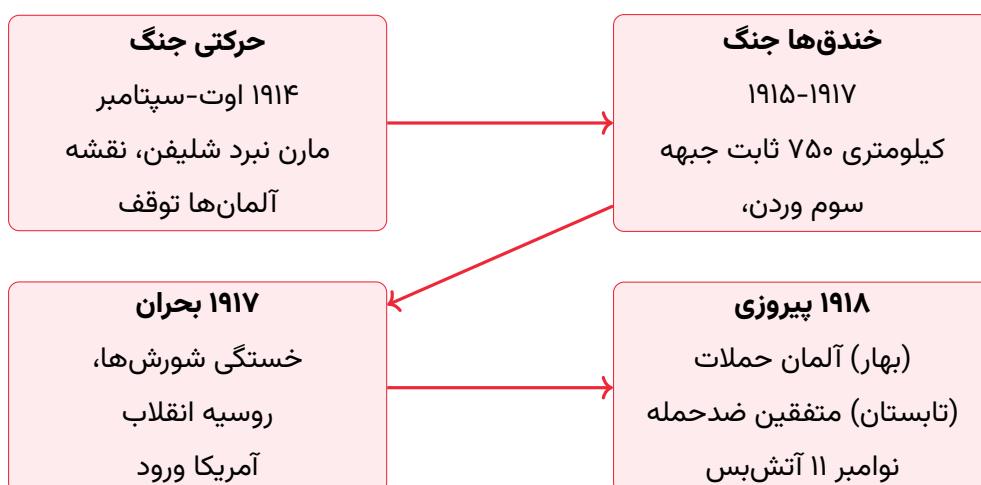
«اتحاد مقدس» (Union sacrée)

در ۴ اوت ۱۹۱۴، رئیس جمهور پوانکاره «اتحاد مقدس» را اعلام کرد. تمام احزاب—از سلطنت طلبان تا سوسیالیست‌ها—در دفاع از میهن متحد شدند:

- ژان ژورس (رهبر سوسیالیست‌ها) دو روز قبل ترور شده بود
- سوسیالیست‌ها به دولت پیوستند (ژول گد، مارسل سامبا)
- CGT اعتصابات را متوقف کرد
- کاتولیک‌ها و ضدکلریکال‌ها کنار هم جنگیدند
- دولت‌ها ائتلافی شدند

۲.۷.۱ چهار سال جنگ

غرب جبهه در بزرگ جنگ مراحل



نبرد وردن (فوریه-دسامبر ۱۹۱۶)

وردن: نماد مقاومت فرانسه

- هدف آلمان: «خونریزی» ارتضی فرانسه در نقطه‌ای که نمی‌توانست عقب بنشیند
- مدت: ۱۰ ماه (۲۱ فوریه - ۱۸ دسامبر ۱۹۱۶)
- تلفات فرانسوی: ۳۷۷,۰۰۰ (۱۶۳,۰۰۰ کشته)
- تلفات آلمانی: ۳۳۷,۰۰۰
- شعار پتن: «رد نخواهند شد!» (Ils ne passeront pas!)
- نتیجه: شکست استراتژی آلمان، اما جهنم برای هر دو طرف

۱۹۱۷ بحران

سال ۱۹۱۷ بحرانی‌ترین سال جنگ بود:

- آوریل: حمله ناموفق نیول در شمن د دام
- مه-ژوئن: شورش در ارتش فرانسه (۴۰,۰۰۰ سرباز نافرمانی کردند)
- پن: فرمانده جدید، اعدام‌های محدود + بهبود شرایط
- نوامبر: کلمансو نخست وزیر شد

کلمансو: «پدر پیروزی»

جدول ۹.۱: ژرژ کلمансو (۱۸۴۱-۱۹۲۹)

توضیح	ویژگی
«ببر» – به خاطر سرسختی و حملات بی‌امان رادیکال، ضدکلریکال، سرنگون‌کننده دولتها	لقب
شعار ۱۹۱۷ «جنگ داخلی نه! جنگ خارجی نه! فقط جنگ!»	سابقه
سرکوب شکست طلبان، بازدید مداوم از جبهه متحدکننده متفقین تحت فرماندهی فوش	شعار
	سیاست
	نقش

«سیاست داخلی من: من جنگ می‌کنم. سیاست خارجی من: من جنگ می‌کنم. همیشه، من جنگ می‌کنم.»

– کلمансو، ۸ مارس ۱۹۱۸

۳.۷.۱ هزینه پیروزی

جدول ۱۰.۱: آمار جنگ جهانی اول برای فرانسه

رقم	شاخص
۴.۸ میلیون	بسیج شدگان
۴.۱ میلیون (۵.۱۶٪)	کشته‌ها
۳.۴ میلیون	مجروحان
۱.۱ میلیون	معلولان دائمی
۰۰۰,۵۰۰	اسرا
۰۰۰,۷۶۰	یتیمان جنگ
۰۰۰,۶۰۰	بیوه‌های جنگ
۱۰ استان شمالی ویران	خسارت مادی
۴ برابر شد	بدھی ملی

«نسل از دست رفته»:

از هر ۱۰ مرد فرانسوی که در ۱۹۱۴ بین ۲۰ تا ۴۵ سال داشتند، تقریباً ۲ نفر کشته و ۴ نفر مجروح شدند. این تلفات نسلی، بر جمیعت‌شناسی فرانسه تا دهه‌ها تأثیر گذاشت.

۴.۷.۱ معاهده ورسای (۱۹۱۹)

کلمانسو در کنفرانس صلح پاریس برای منافع فرانسه جنگید:

جدول ۱۱.۱: مفاد معاهده ورسای برای فرانسه

موضوع	محتوی
آلزاس-لورن	بازگشت به فرانسه
سار	تحت مدیریت جامعه ملل، همه‌پرسی پس از ۱۵ سال
راینلند	اشغال نظامی ۱۵ ساله، غیرنظامی دائمی
غرامات	۱۳۲ میلیارد مارک طلا (تعیین نهایی ۱۹۲۱)
مستعمرات آلمان	بخشی به فرانسه (توگو، کامرون)
ماده ۲۳۱	آلمان مسئولیت جنگ را پذیرفت

«این صلح نیست، این آتش‌بس بیست‌ساله است.»

– مارشال فوش، ۱۹۱۹ (پیش‌بینی جنگ جهانی دوم)

۸.۱ بین دو جنگ (۱۹۴۰-۱۹۱۸)

۱.۸.۱ ویژگی‌های دوره

دوره بین دو جنگ با بی‌ثباتی سیاسی شدید مشخص می‌شد:

سوم جمهوری دولت‌های سیاسی: بی‌ثباتی

سال ۲۲: ۱۹۱۸-۱۹۴۰

ماه ۶ عمر: میانگین - دولت ۴۴

نخست وزیران: برخی

(بار) ۱۱ (بریان) ۵ (پوانکاره - بار) ۳ (هریو - بار)

بی‌ثباتی: دلایل

- چندحزبی نظام
- شکننده ائتلاف‌های
- دولتها سرنگونی در سنا قدرت
- حزبی انضباط عدم

پارادوکس:

- دولتها بی‌ثبات
- نسبی ثبات با همراه
- کادرها و سیاستها
- می‌چرخیدند) افراد (همان

۲.۸.۱ دوره‌بندی سیاسی

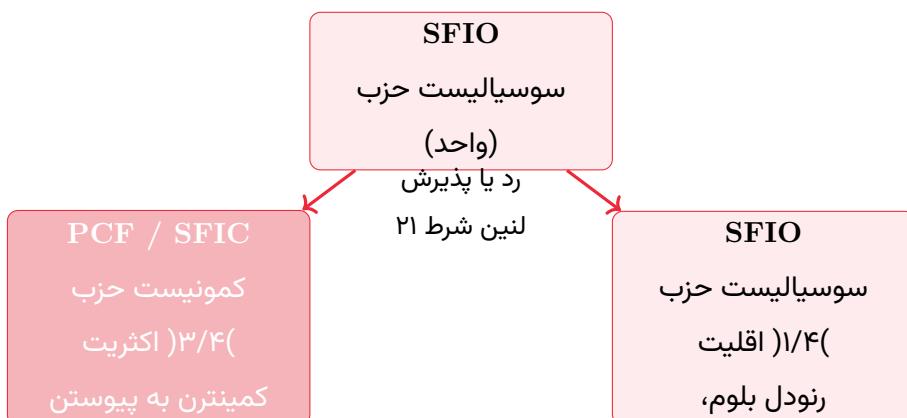
جدول ۱۲.۱: دوره‌های سیاسی بین دو جنگ

دوره	سال‌ها	ویژگی
بلوک ملی	۱۹۲۴-۱۹۱۹	راست محافظه‌کار، اشغال روه
کارتل چپ	۱۹۲۶-۱۹۲۴	رادیکال‌ها + سوسیالیست‌ها، بحران مالی
اتحاد ملی	۱۹۲۹-۱۹۲۶	پوانکاره، ثبات مالی
بحران و بی‌ثباتی	۱۹۳۶-۱۹۲۹	رکود بزرگ، ۶ فوریه ۱۹۳۶
جبهه مردمی	۱۹۳۸-۱۹۳۶	چپ متحده، اصلاحات اجتماعی
پیش از سقوط	۱۹۴۰-۱۹۳۸	راست، مونیخ، جنگ

۳.۸.۱ انشعاب چپ: تور (۱۹۲۰)

در کنگره تور (دسامبر ۱۹۲۰)، حزب سوسیالیست (SFIO) منشعب شد:

(۱۹۲۰) دسامبر تور انشعاب



۱۹۳۰ بحران‌های دهه ۴.۸.۱

رکود بزرگ

رکود جهانی دیگر به فرانسه رسید (۱۹۳۱) اما طولانی‌تر ماند:

جدول ۱۳.۱: شاخص‌های اقتصادی دهه ۱۹۳۰

شخاص	تولید صنعتی (شخاص)	بیکاری (هزار نفر)	قيمت‌ها (شخاص)	صادرات
تغییر	۱۹۳۵	۱۹۲۹		
%۲۸-	۷۲	۱۰۰		
-	۵۰۰	۱۰		
%۳۵-	۶۵	۱۰۰		
%۶۰-	۴۰	۱۰۰		

۱۹۳۴ فوریه ۶

۱۹۳۴ فوریه بحران

زمینه: رسوایی ستاویسکی (کلاهیرداری با ارتباطات سیاسی)

رویداد: تظاهرات لیگهای راست افراطی در میدان کنکورد:

- آکسیون فرانسز (سلطنت طلب)
 - صلیب‌های آتشین (Croix-de-Feu)
 - فدراسیون‌های جانیازان

شیخ:

- استعفای دالادیه (نخست وزیر)
 - ١٥ كشته، ٥٠٠ مجريح

- چپ آن را «کودتای فاشیستی ناموفق» نامید
- آغاز اتحاد چپ که به جبهه مردمی انجامید

۵.۸.۱ جبهه مردمی (۱۹۳۶-۱۹۳۸)

در پاسخ به تهدید فاشیسم، چپ متحد شد:

(مردمی جبهه) Front populaire(



مردمی جبهه پیروزی ۱۹۳۶: مه انتخابات
يهودی) اولین سوسیالیست، (اولین نخستوزیر بلوم لئون

اصلاحات جبهه مردمی

قراردادهای ماتینیون و اصلاحات ۱۹۳۶

در ژوئن ۱۹۳۶، پس از موج اعتصابات با اشغال کارخانه‌ها (۲ میلیون اعتصابی):

قراردادهای ماتینیون (۷ ژوئن):

- افزایش دستمزدها (%) ۱۵-۷
- حق قرارداد جمعی
- نمایندگان کارگری در کارخانه‌ها

قوانين ژوئن ۱۹۳۶:

- هفته ۴۰ ساعته (بدون کاهش دستمزد)
- دو هفته مخصوصی با حقوق (اولین بار)
 - ملی‌سازی صنایع جنگی
 - انحلال لیگ‌های فاشیستی

- افزایش سن ترک تحصیل به ۱۴ سال

نماد: تصاویر کارگران در ساحل—«تابستان ۳۶»

«برای اولین بار در تاریخ این کشور، کارگران احساس کردند که وزیران آنها هستند، نه وزیران سرمایه‌داران.»

— سیمون وی، فیلسوف

شکست جبهه مردمی

جبهه مردمی دوام نیاورد:

- **فرار سرمایه:** بحران مالی، کاهش ارزش فرانک

- «مکث» بلوم (فوریه ۱۹۳۷): توقف اصلاحات

- **جنگ داخلی اسپانیا:** عدم مداخله، نارضایتی چپ

- سقوط بلوم (ژوئن ۱۹۳۷): مخالفت سنا

- پایان ائتلاف (۱۹۳۸): رادیکال‌ها به راست چرخیدند

۶.۸.۱ راه سقوط (۱۹۴۰-۱۹۳۸)

مونیخ (سپتامبر ۱۹۳۸)

کنفرانس مونیخ (۳۰-۲۹ سپتامبر ۱۹۳۸)

فرانسه (دلالدیه) و انگلستان (چمبرلین) با واگذاری سودت به هیتلر موافقت کردند:

- **توجهیه:** اجتناب از جنگ، «صلح برای زمان ما»

- **قیمت:** خیانت به متحد (چکسلواکی)

- **واکنش فرانسه:** تشویق اولیه، سپس شرم

- **نتیجه:** هیتلر جسورتر شد

سخن دلالدیه (به منشی‌اش، هنگام دیدن جمعیت شادمان): «احمق‌ها، نمی‌دانند به چه چیزی تشویق می‌کنند.»

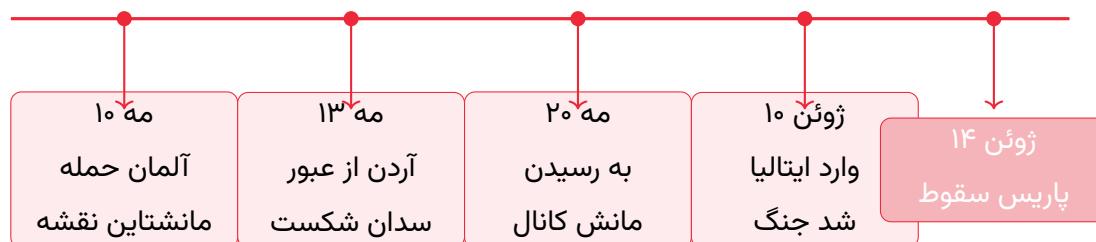
شروع جنگ جهانی دوم

- ۱ سپتامبر ۱۹۳۹: آلمان به لهستان حمله کرد
- ۳ سپتامبر ۱۹۳۹: فرانسه و انگلستان اعلام جنگ کردند
- ۵ سپتامبر ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰ مه: «جنگ عجیب» (drôle de guerre) - بدون درگیری واقعی

۹.۱ سقوط (مه-ژوئن ۱۹۴۰)

۱.۹.۱ شکست نظامی

(مه-ژوئن ۱۹۴۰) فاجعه هفته شش



آلمان) لشکر ۱۳۶ vs متفقین لشکر ۱۳۵ (برابر تقریباً نیروها:

داشتند! بیشتر متفقین تانکها:

روحیه فرماندهی، تاکتیک، استراتژی، مشکل:

۲.۹.۱ آتشبس و پایان جمهوری

جدول ۱۴.۱: آخرین روزهای جمهوری سوم

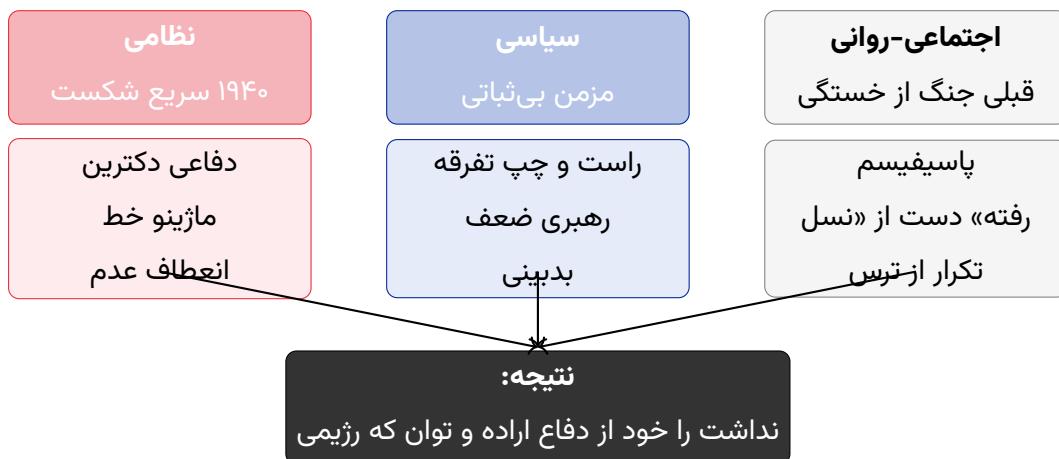
تاریخ	رویداد
۱۰ ژوئن	دولت پاریس را ترک کرد (تور، سپس بوردو)
۱۶ ژوئن	استعفای رینو، مارشال پتن نخست وزیر شد
۱۷ ژوئن	پتن خواستار آتشبس شد
۱۸ ژوئن	نداي دوگل از لندن: «فرانسه نبرد را باخته، نه جنگ را»
۲۲ ژوئن	امضای آتشبس در رتوند (همان واگن ۱۹۱۸)
۱۰ ژوئیه	مجلسین در ویشی: دادن اختیارات تمام به پتن (۵۶۹ موافق، ۸۰ مخالف، ۱۷ ممتنع)
۱۱ ژوئیه	پایان جمهوری سوم - آغاز «دولت فرانسوی»

«من، فیلیپ پتن، مارشال فرانسه، به شما می‌گوییم که باید جنگ را متوقف کرد.»
– پتن، ۱۷ ژوئن ۱۹۴۰

«فرانسه تنها نیست... این جنگ، جنگ جهانی است. شعله مقاومت فرانسه نباید خاموش شود و خاموش نخواهد شد.»
– دوگل، ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰

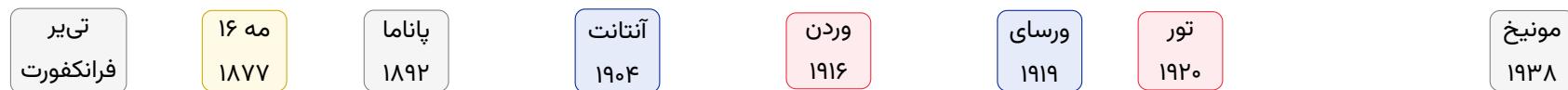
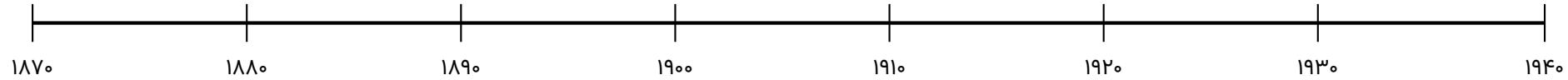
۱۰.۱ تحلیل: چرا جمهوری سوم سقوط کرد؟

سوم جمهوری سقوط عل



۱۱.۱ خط زمانی جامع

۱۸۷۰-۱۹۴۰ (سوم جمهوری زمانی خط)



۱۲.۱ الگوهای دار

الگوهای کلیدی جمهوری سوم

۱. الگوی «جمهوری از شکست زاده شده»:

- جمهوری اول: از بحران جنگ (۱۷۹۳)
- جمهوری دوم: از انقلاب (۱۸۴۸)
- جمهوری سوم: از شکست نظامی (۱۸۷۰)
- (جمهوری چهارم: از آزادی؛ پنجم: از بحران الجزاير)

۲. الگوی «ثبت از طریق دشمن مشترک»:

- جمهوری علیه کلیسا متحد شد
- ماجرا دریفوس خطوط را روشن کرد
- تهدید فاشیسم، جبهه مردمی را ساخت
- اما: وقتی دشمن خارجی آمد، اتحاد کافی نبود

۳. الگوی «پارلماناریسم افراطی»:

- قدرت تمرکز در مجلس، رئیس جمهور تشریفاتی
- دولتهای کوتاه عمر، بی ثباتی مزمن
- انعطاف پذیری یا ضعف؟ هر دو
- درس: تعادل قوا ضروری است

۴. الگوی «لائیسیته به عنوان هویت»:

- جدایی دین و دولت، بخش اصلی هویت جمهوری شد
- مدرسه لائیک، کارخانه شهرسازی
- این میراث تا امروز در فرانسه زنده است

۵. الگوی «پیروزی پیرانه، شکست جوانانه»:

- ۱۹۱۸: پیروزی با هزینه نسلی
- ۱۹۴۰: شکست سریع و تحقیرآمیز
- نسلی که جنگ بزرگ را برده بود، توان جنگ دیگر را نداشت

۱۳.۱ میراث جمهوری سوم

سوم جمهوری ماندگار میراث

لائیسیتیه

دولت و دین جدایی
امروز اساسی قانون اول ماده

عمومی آموزش

لائیک اجباری، رایگان،
همگانی باسوسادی

اساسی آزادی‌های

اتحادیه تجمع، مطبوعات،
۱۸۸۱-۱۸۸۴ قوانین

اجتماعی حقوق

مرخصی ساعته، ۴۰ هفته
۱۹۳۶ مردمی جبهه

استعماری امپراتوری

پرتنش میراثی
آینده استقلال جنگ‌های

نهادی بی‌ثباتی

پنجم جمهوری برای منفی درس
احزاب» «رژیم دوگل:

۱۴.۱ جمع‌بندی فصل

جمع‌بندی: جمهوری سوم (۱۹۴۰-۱۸۷۰)

ویژگی‌های کلی:

- طولانی‌ترین رژیم پس از انقلاب (۷۰ سال)
- زاده از شکست، مرده در شکست
- پارلمانتاریسم افراطی، رئیس‌جمهور تشریفاتی
- ۱۰۸ دولت در ۷۰ سال (میانگین ۸ ماه)

دوره‌ها:

- ۱۸۷۰-۱۸۷۱: جنگ، کمون، تأسیس دردنگ
- ۱۸۷۱-۱۸۷۹: جمهوری بدون جمهوری خواهان
- ۱۸۷۹-۱۸۹۹: جمهوری فرصت‌طلب (قوانين فری)
- ۱۸۹۹-۱۹۱۴: جمهوری رادیکال (دریفوس، لائیسیتیه)
- ۱۹۱۴-۱۹۱۸: جنگ بزرگ (پیروزی پرهزینه)
- ۱۹۱۸-۱۹۴۰: بین دو جنگ (بی‌ثباتی، سقوط)

رویدادهای کلیدی:

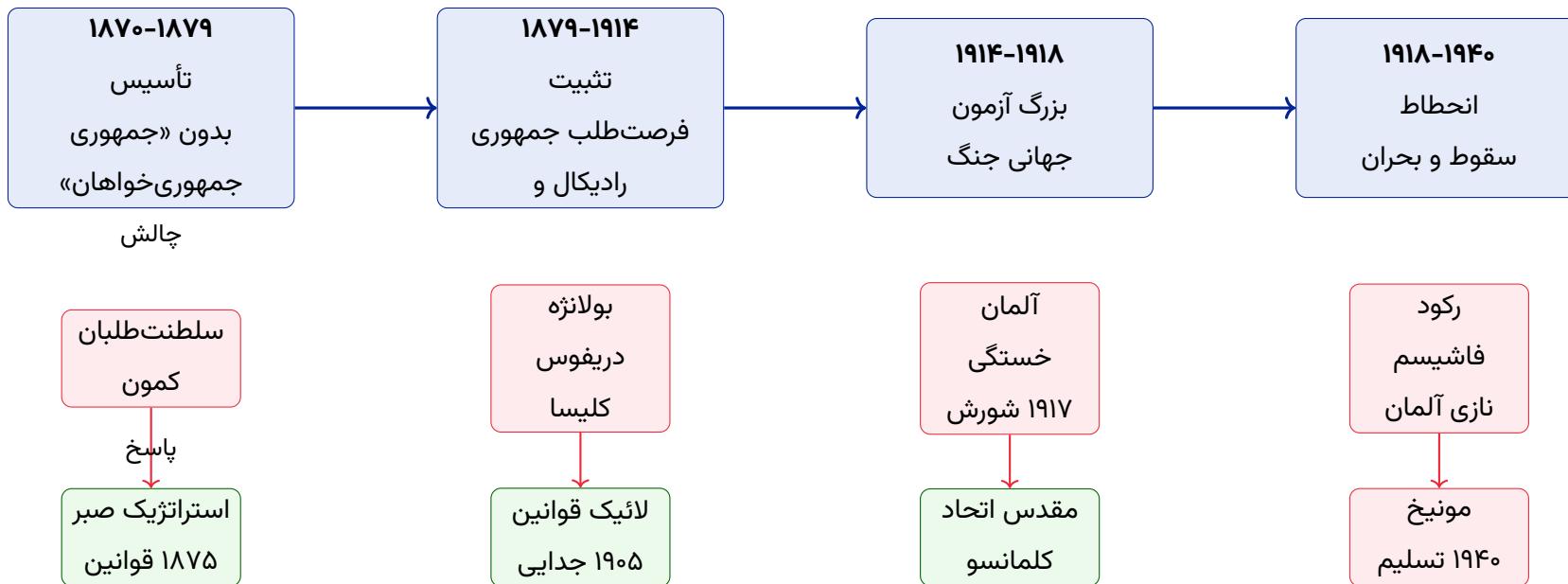
- کمون پاریس (۱۸۷۱): اولین حکومت کارگری، سرکوب خونین
- بحران ۱۶ مه ۱۸۷۷: پیروزی مجلس بر رئیس جمهور
- قوانین ژول فری (۱۸۸۱-۱۸۸۲): مدرسه لائیک
- ماجراي دریفوس (۱۸۹۴-۱۹۰۶): فرانسه دوپاره
- جدایی کلیسا و دولت (۱۹۰۵): تثبیت لائیسیته
- جنگ جهانی اول: ۴.۱ میلیون کشته
- جبهه مردمی (۱۹۳۶): اصلاحات اجتماعی
- سقوط ۱۹۴۰: شکست در ۶ هفته

میراث:

- لائیسیته به عنوان اصل بنیادین
- آموزش عمومی رایگان و اجباری
- آزادی‌های مدنی (مطبوعات، تجمع، اتحادیه)
- امپراتوری استعماری (میراث پرتش)
- درس بی ثباتی برای جمهوری پنجم

۱۵.۱ نقشه مفهومی: تحول جمهوری سوم

پاسخ‌ها و چالش‌ها سوم: جمهوری تحول



کند عبور فاشیسم) دریفوس، (سلطنت طلبان، داخلى بحران‌های از توانست سوم جمهوری ارزیابی:
فروپاشید دوم) جهانی (جنگ خارجی چالش برابر در اما

منابع فصل

- .۱۹۹۰ Hachette, Paris: vols. ۲ République. La Maurice. Agulhon, •
- .۱۹۸۸ Complexe, Paris: .۱۹۱۸-۱۹۱۴ guerre, en France La Jean-Jacques. Becker, •
Paris: vols. ۳ siècle. XXe au France la de Histoire Milza. Pierre and Serge, Berstein, •
- .۱۹۹۵-۱۹۹۰ Complexe,
.۱۹۸۳ Julliard, Paris: L'Affaire. Jean-Denis. Bredin, •
UP, Oxford Oxford: .۱۹۴۰ of Invasion Nazi The France: of Fall The Julian. Jackson, •
.۲۰۰۳
Macmillan, London: Affair. Dreyfus the after State and Church Maurice. Larkin, •
.۱۹۷۴
Origins its from Republic Third The Rebérioux. Madeleine and Jean-Marie, Mayeur, •
.۱۹۸۴ UP, Cambridge Cambridge: War. Great the to
Lon-. ۱۹۹۱-۱۸۹۸ Society, and Politics France: Twentieth-Century F. James McMillan, •
.۱۹۹۲ Arnold, don:
.۱۹۹۹ Longman, London: .۱۸۷۱ Commune Paris The Robert. Tombs, •
-۱۸۷۰ France, Rural of Modernization The Frenchmen: into Peasants Eugen. Weber, •
.۱۹۷۶ UP, Stanford Stanford: .۱۹۱۴
.۱۹۹۹ Seuil, Paris: siècle. XIXe-XXe politique, France La Michel. Winock, •